



## نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران و عربستان؛ از استراتژی اضطرار تا تاکتیک توازن



دکتر حمید احمدی نژاد\* - دکتر مهدی شاهین\*\* - دکتر مهدی ذوالفقاری\*\*\*

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران غالباً گرایش به شرق با تاکید بر چین به عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین چالش هژمون کنونی نظام جهانی غلبه داشته است. به موازات رویکرد ایران، طی چند سال اخیر این گرایش به شرق در جهان عرب با پیشتازی عربستان سعودی به عنوان دیگر بازیگر مهم منطقه‌ی خاورمیانه تشدید شده است. با توجه به اهمیت تاثیر رویکردهای ایران و عربستان بر ساختار منطقه‌ای، هدف این پژوهش شناسایی علت و نتیجه‌ی گرایش به چین در سیاست خارجی این دو کشور است. لذا سوال اصلی مقاله آن است که؛ ماهیت نگاه به چین در سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی از چه منطقی پیروی می‌کند و پیامد آن چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش بر پایه‌ی نظریه‌ی تعامل‌گرایی نمادین و روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که گرایش به چین در سیاست خارجی ایران برآمده از انگاره‌ی دوستی شرق و دشمنی غرب یک استراتژی ضروری و در سمت مقابل این گرایش در عربستان در چارچوب احیاء جلب توجه غرب و خودیاری بیشتر یک تاکتیک می‌باشد. پیامد این راهبرد ایران و عربستان در کوتاه مدت نیز پایان دشمنی و نزدیکی آنها بود.

### کلیدواژگان

نگاه به شرق، چین، ایران، عربستان، تعامل‌گرایی نمادین.

\* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

\*\*\* دانشیار گروه مطالعات آسیایی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل:

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی همواره در طول تاریخ راهبردهای سیاست خارجی متفاوتی را دنبال کرده‌اند. سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران با چشم‌پوشی از برخی دوره‌ها اولویت اصلی را به همراهی با شرق داده و در سمت مقابل عربستان سعودی در قالب اتحاد و ائتلاف با غرب همراه بوده است. با وجود این تفاوت، چند سال اخیر شاهد گرایش و چرخش بی‌سابقه‌ی آل‌سعود به سمت شرق بوده است. نکته اساسی در هر دو گرایش ایران و عربستان به سوی شرق محوریت چین در این رویکرد است. در این میان اتکاء پکن به نفت خاورمیانه و نیز تلاش آن برای نفوذ در این منطقه در جهت مهم‌ترین نگرانی راهبردی جهانی آن یعنی رقابت با ایالات متحده، باعث جدیت رهبران چین برای افزایش نفوذ در این منطقه شده است. در ارتباط با این حضور و نفوذ چین در خاورمیانه دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متناقضی وجود دارد. عده‌ای از تحلیل‌گران در دام اغراق افتاده و معتقدند گسترش روبه‌رشد نفوذ چین باعث خروج آمریکا از این منطقه خواهد شد. برخی در طیف مقابل اما معتقدند اصولاً پکن اهرم و قدرت کافی برای ایجاد تغییر معنادار و نفوذ غالب در خاورمیانه را ندارد. در میانه‌ی این افراط و تفریط‌ها باید گفت آنچه که مشخص و محرز است این که پکن طی یک دهه‌ی اخیر به موازات افزایش نفوذ جهانی، در خاورمیانه نیز حضور جدی و پرنقشی داشته و اقدامات آن نشان دهنده‌ی افزایش تمایل این بازیگر به حضور بیشتر در این منطقه بوده است. در سال‌های اخیر تغییر جهت سیاست خارجی آل‌سعود به پکن به موازات همراهی تاریخی ایران با چینی‌ها، زمینه‌های تسهیل افزایش نفوذ چین در منطقه را فراهم آورده است. اما بیش از هر چیزی نتیجه‌ی گرایش به چین از سوی دو کشور ایران و عربستان سعودی احیای روابط دو کشور با میانجی‌گری پکن پس از یک دوره‌ی طولانی خصومت و قطع رابطه بین آنها بود. آشتی این دو کشور به عنوان تحول مهم در منطقه و پیروزی دیپلماتیک برای چین، باعث طرح این مساله می‌شود که گرایش و تعامل با چین از سوی ایران و عربستان به عنوان مهم‌ترین بازیگران خاورمیانه را بر مبنای چه عوامل و محرک‌هایی می‌توان تحلیل کرد. در راستای این مساله، هدف پژوهش با مقایسه‌ی ماهیت نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی، فهم چرایی و تفاوت نگرش به چین و نیز پیامد آن در سیاست خارجی این دو کشور است. فرضیه پژوهش از این قرار است که معناسازی‌های متفاوت از چین و غرب در سیاست خارجی ایران و عربستان باعث شده تعامل با چین از سوی ایران یک اضطرارِ سیاست خارجی و در عربستان یک تاکتیک تلقی شود. رویکرد این پژوهش کیفی و روش آن توصیفی-تحلیلی است.

## ۱- پیشینه پژوهش

به عنوان پیشینه پژوهش، بهتر دیده شد که مرور ادبیات موجود در قالب یک جدول بیان شود که شامل نویسندگان، عنوان اثر و خلاصه نتایج تحقیقات آنها است.

نویسندگان	شیخ الاسلامی و عطارزاده (۱۴۰۱)؛ (Sheikholeslami and Atarzadeh, 2023)
عنوان	آسیایی شدن: خوانشی جدید از راهبرد نگاه به شرق
نتایج	این مقاله با سوال از سیاست نگاه به شرق ایران براساس ایده آسیایی شدن، بدین نتیجه رسیده که این نگاه ذیل سیاست خارجی چرخش به آسیا در آینده محتمل ترین گزینه‌ی دستگاه سیاست خارجی ایران خواهد بود.
نویسنده	بایزیدی (۱۴۰۱)؛ (Baizidi, 2022)
عنوان	راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران؛ مولفه‌های راهبردی و تحولات آینده
نتایج	این مقاله چپستی و آینده نگاه به شرق ایران را مورد بررسی داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این راهبرد ایران بیش از آن که یک رویکرد باشد، الزامی برای تقابل با فشارهای چندجانبه غرب است.
نویسنده	(Bazoobandi, 2024)
عنوان	راهبردهای ایران در واکنش به تغییرات روابط آمریکا و چین
نتایج	این مقاله با تاکید بر تاثیر تغییر روابط بین آمریکا و چین بر محاسبات استراتژیک دوستان و دشمنان هر دو طرف، هدف ایران را در پیوند با چین کسب و ارتقاء قدرت خود در نظم جهانی چندجانبه می‌داند.
نویسنده	(Belal, 2020)
عنوان	روابط چین و ایران: چشم‌انداز و پیچیدگی‌ها
نتایج	این مقاله مقابله با آمریکا را عوامل گسترش روابط ایران و چین دانسته، اما معتقد است مهمترین مانع تبدیل شدن این رابطه به مشارکت استراتژیک در ایران نگرانی جناح میانه‌رو متمایل به غرب است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

Table 1. Research Background

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۳)؛ (Authors, 2024)

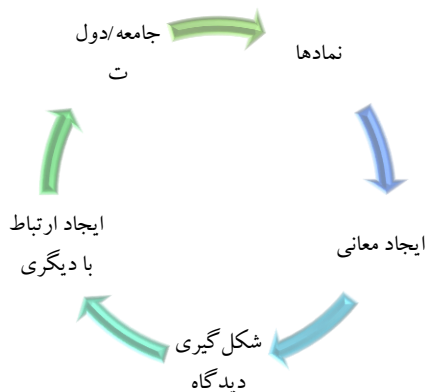
نوآوری این پژوهش برای فهم ریشه‌ی بنیادین گرایش به شرق در سیاست خارجی ایران و عربستان تحلیل معنایی و انگاره‌ای است. به عبارتی این پژوهش بر مبنای تصورات معنا سازی دو کشور از ساختار نظام بین الملل و بازیگران اصلی آن، تعامل با چین را در بوت‌های تحلیل قرار می‌دهد. بعلاوه این پژوهش بر پایه‌ی نظریه‌ای متفاوت صورت می‌گیرد که در هیچ کدام از آثار پیشین مورد استفاده قرار نگرفته است.

## ۲- چارچوب تبیین؛ نظریه تعامل گرایی نمادین

بین تعامل گرایی نمادین و تعامل اجتماعی تفاوت وجود دارد. نقش آفرینی و پاسخ براساس معنا اصلی ترین تمایز میان این دو است (Blumer, 2004: 30). هربرت بلومر، اولین کسی است که در سال ۱۹۷۳ واژه تعامل نمادین را به کار برد و به همین دلیل از او به عنوان بنیانگذار این نظریه نام برده می‌شود (رضادوست و رستمی، ۱۳۹۷: ۱۶)؛ (Rezadoost and Roostami, 2018: 16). قوی ترین

گزاره‌ی کاربرد این تئوری در روابط بین دولت‌ها استدلال الکساندر ونت است که می‌گوید: «تعامل‌گرایی نمادین را می‌توان نه تنها در سطح افراد و گروه‌ها در داخل دولت‌ها، بلکه در سطح دولت‌ها در روابط بین‌الملل نیز به کار برد (Adler-Nissen, 2016; 29).

از مهمترین اصول این تئوری می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. انسان‌ها از تجربه‌ها معانی را می‌سازند؛ ۲. معانی به احساس انسان‌ها از دنیای پیرامونشان شکل می‌دهد؛ ۳. معانی با معنادارسازی، رفتارها را شکل می‌دهد؛ ۴. رفتار در تناسب با نقش‌های مورد پذیرش است. این اصول از یک سو نشان دهنده‌ی آن است که این تئوری حول محور «معنا» که در فرآیند تعامل میان افراد ایجاد می‌شود می‌چرخد (Blumer, 1969: 4). از این منظر واکنش انسان‌ها به یکدیگر براساس معنایی است که آنها به کنش‌های هم نسبت می‌دهند (پرهام‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۶۸)؛ (Parhamnia, 2021: 168). ذیل این تئوری ذهن و درک انسان همانند آینه‌ای فعال اشیاء، امور و پدیده‌ها را معنا می‌کند (باقری و خسروی، ۱۳۸۷: ۱۷۱)؛ (Bagheri and Khosravi, 2008: 171). در این روند به تناسب تاثیر ادراک ذهنی بر کنش و انتخاب (Mittzen, 2006: 344)، فرصت‌ها و تهدیدها نیز تا حد بسیار زیادی ذهنی و معنایی خواهند بود (Viotti and Kauppi, 2012: 290). چارچوب کلی روند تاثیرگذاری تعامل‌گرایی نمادین بر روابط بین کشورها را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



شکل ۱. روند تاثیر تعامل‌گرایی بر روابط

Figure 1. The Influence of Interactionism on Relationships

Source: (Nickerson, 2023: 2)

در قالب مفروضات شکل بالا، هدف از کاربرد این تئوری برای تحلیل موضوع این پژوهش آن است که نشان دهیم عمل معناسازی و تولید معنا ذیل مفاهیم دوست، دشمن یا رقیب چگونه راهبرد سیاست خارجی ایران و عربستان را نسبت به شرق شکل داده است.

### ۳- شرق در نظام بین‌الملل

از آنجا که آگاهی مردم خصلت دیالکتیکی دارد از اینرو فضای سیاسی جهان از طریق جدایی

ساختار می‌یابد. در بالاترین سطح، این جدایی به وسیله‌ی سیستم‌های ژئوپلیتیک دوگانه (جدول ۱) تعریف می‌گردد که تحت آن جهان از طریق رقابت بین دو بخش متضاد تعریف می‌شود (Okunev, 2019: 3).

مکان	جهان قدیم/جدید	غرب/شرق	شمال/جنوب
اروپا	جهان قدیم	غرب	شمال
آسیا	جهان قدیم	شرق	جنوب
آفریقا	جهان قدیم	شرق	جنوب
آمریکای شمالی	جهان جدید	غرب	شمال
آمریکای جنوبی	جهان جدید	غرب	جنوب
استرالیا و اقیانوسیه	جهان جدید	غرب	شمال

جدول ۲. سیستم‌های ژئوپلیتیک دوگانه‌ی جهان

Table 2. Dual Geopolitical Systems of the World

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۳): (Authors, 2024)

مبتنی بر همین دو گانه‌ها مفهوم و اصطلاح شرق از آن دست واژه‌هایست که برای آشکار شدن معنایش باید آن را در برابر «غرب» قرار داد. در این راستا، سخنرانی‌های هگل در مورد فلسفه تاریخ در دهه ۱۸۲۰ و نیز مطالعه دومینیک دوفور<sup>۱</sup> در مورد روابط بین‌الملل در ۱۸۲۲، از اولین نشانه‌هایی است که طی آن دانشمندان فرانسوی و آلمانی شروع به جایگزینی شکاف شرقی- غربی به جای شکاف شمال- جنوب که قرن‌ها بر ذهن اروپائیان تسلط داشت کردند (Bavaj, 2011: 7). طی این جایگزینی، دو مفهوم شرق و غرب گرچه در ابتدا فضای فیزیکی و جغرافیایی را به ذهن متبادر می‌کند و تا حدودی هم این تقسیم مکانی- جغرافیایی صحیح است، ولی بیش از آن تقابل این دو به مبانی دیگری مانند فرهنگ، سیاست و... برمی‌گردد. در این میان انتشار کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید در اواخر دهه ۱۹۷۰ باعث پذیرش این تصور شد که این دو ایده‌ی به ظاهر جغرافیایی بیشتر مبتنی بر یک واگرایی فرهنگی، سیاسی و حتی فلسفی هستند (Danış, 2023). از این منظر جهان غرب همواره شرق را با خصلت‌هایی مانند استبداد، عدم توسعه، عرفان‌گرایی و امثالهم تعریف می‌کند. در مقابل شرق نیز جهان غرب را جهانی استثنائگرا، استعمارگر و جنگ‌طلب توصیف می‌کند. در یک گذار کوتاه برای فهم ریشه‌ی تاریخی جهان شرقی و غربی می‌توان به نظر ریچارد ای نیسبت<sup>۲</sup> رجوع کرد که معتقد است غرب میراث‌دار فکری یونانی‌هاست در حالی که شرق به سنت چینی پیوند می‌خورد (Pae, 2020: 107). ماحصل تفاوت قابل توجه فلسفه‌ها، ساختارها، تصورات اجتماعی و دستاوردهای این دو سنت از ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون ایجاد جهان شرقی و غربی با پارادایم‌ها و الگوهای خاص خود است. با صرف نظر از این ریشه‌ی تاریخی، این دو مفهوم

<sup>۱</sup>. Dominique Dufour

<sup>۲</sup>. Richard E. Nisbett

بیش از هر زمانی پس از جنگ دوم جهانی تا سال ۱۹۹۱ یعنی فروپاشی شوروی ذیل نظام دوقطبی، به بلوک شرق در مقابل غرب معروف گشت. در همین زمان و طی دوران جنگ سرد، سیستم شرق/غرب برای توصیف شکاف ایدئولوژیک بین کشورهای سوسیالیستی به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و اعضای پیمان ورشو و کشورهای سرمایه‌داری به رهبری ایالات متحده آمریکا و اعضای ناتو مورد استفاده قرار گرفت. به این ترتیب تصور غالب روابط بین‌الملل از شرق و غرب، از تقسیم‌بندی بین نظام سرمایه‌داری لیبرال و نظام کمونیستی مبتنی بر تفکر مارکسیستی ناشی می‌شود (O'Hagan, 2002: 30).

#### ۴- محوریت چین در نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران و عربستان

در میان همه‌ی کشورهای جهان شرق، چین جایگاه بسیار برجسته‌تر و به نوعی نقش رهبری آن را دارد. رهبری چین در این جهان مبتنی بر ویژگی‌های سه‌گانه‌ی قدرت، جغرافیا و ایده‌هاست. در این مسیر، قدرت فرآیندهای پکن جایگزین‌های منسجمی به کشورهای منطقه و جهان بجای نظم هژمونیک آمریکا ارائه داده است. در بسیاری از حوزه‌های حکمرانی جهانی، چینی‌ها در تلاشند تا برجستگی ارزش‌های لیبرال را کاهش دهند. علاوه بر این، پکن به طور پیوسته، از طریق مشارکت‌های استراتژیک حول پیوندهای اقتصادی و وابستگی‌های ایدئولوژیک در حال ایجاد گروهی با محوریت چین است (Ikenberry, 2024: 129). بر همین اساس آمریکا، چین را قدرتی تجدیدنظرطلب با هدف تغییر نظام بین‌الملل می‌داند (Gaub and Boswinkel, 2020: 7). این ارتقاء محوریت و رهبری چین در جهان به ویژه متأثر از دوران شی جین‌پینگ به شدت در حال تکامل است. در این میان حضور، نفوذ و نقش آفرینی فرآیندهای چینی‌ها، چهره استراتژیک آن در خاورمیانه را در منظر کشورهای این منطقه برجسته کرده است اگرچه ایالات متحده آمریکا همچنان قدرت غیرقابل انکار این حوزه می‌باشد (Lons and et al, 2019: 6).

از بین کشورهای این منطقه جمهوری اسلامی ایران به طور سنتی با چین اتحاد پیوسته و محکمی داشته و عربستان سعودی نیز در چند سال اخیر علی‌رغم اتحاد استراتژیک با غرب به سمت وسوی گرایش به شرق با محوریت پکن روی آورده است. به واقع می‌توان گفت پس از چندین دهه تفاوت‌های راهبردی در گرایش‌های سیاست خارجی ایران و عربستان، طی چند سال اخیر برای نخستین بار چین در محور سیاست خارجی هر دو کشور با درجات متفاوتی به ایفای نقش پرداخته است. در تحلیل روابط ایران و چین باید اذعان داشت که این تعامل هم «قدیم» و هم «جدید» است. قدیم است بدان دلیل که در عصر امپراتوری‌های درخشان دو کشور با هم روابط عمیقی داشتند و جدید است بدان علت که از حدود نیم قرن قبل دوباره به دنبال بازبانی جایگاه خود در معادلات بین‌المللی برآمده‌اند. در این عصر جدید دو کشور دریافتند که می‌توانند مکمل اقتصادی هم باشند. در این میان نیاز جمهوری اسلامی به سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری‌های نو با وجود تحریم غرب بر احساس ایجاد روابط راهبردی با چین افزوده است (تخشید و لی، ۱۳۹۹: ۴۸۴)؛ (Takhshid and Li, 2020: 484). به واقع ایران در کنار عوامل سیاسی، نگاه ویژه‌ای به روابط اقتصادی با چین دارد

به خصوص با توجه به تحریم‌های غرب دارد و همین باعث شده تا چین در سال‌های اخیر به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شود. این روند رتبه‌ی اول بودن چین به عنوان شریک تجاری ایران در سال ۲۰۲۳ همچنان ادامه داشت.

سال	حجم تجارت	صادرات ایران به چین	واردات ایران از چین
1395	19/066	8/37	10/696
1396	22/136	9/012	13/124
1397	19/248	9/209	10/039
1398	20/959	9/62	10/974
1399	18/68	9/06	9/629
1400	26/715	14/417	12/298

جدول ۳. میزان تجارت خارجی ایران و چین از ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ (میلیارد دلار)

Table 3. The Amount of Trade between Iran and China from 2016 to 2021 (Billion \$)

منبع: (روزنامه همشهری، ۱۴۰۱)؛ (Hamshahri Newspaper, 2023)

در سوی دیگر نیاز به ذخایر سوختی ایران و باور به این که چین در بلندمدت برای رویارویی با آمریکا به ایران نیاز خواهند داشت، منجر به نقش راهبردی ویژه جمهوری اسلامی در نظر رهبران پکن شده است (شمشیری، ۱۳۹۸: ۷۴)؛ (Shamshiri, 2019: 74). این روابط متقابل با جایگاه ویژه در سطحی است که ذیل آن می‌توان ایران و چین را «دوستانی برای شرایط دشوار» تعریف کرد. برخلاف این روابط دوستانه، چین و عربستان سعودی در گذشته به دلیل بُعد مسافت و تفاوت‌های ایدئولوژیک روابط موثر چندانی با یکدیگر نداشتند، اما در یک دهه قبل به این سو دو کشور نه تنها در سطح سیاسی بلکه در سطوح تجاری، انرژی و تسلیحات روابط روبه‌رشدی را تجربه کرده‌اند (ارغوانی پیرسلامی و فروتن، ۱۳۹۸: ۷۳)؛ (Arghavani Pirsalami and Forootan, 2019: 73). این روابط از دهه ۲۰۰۰ به این سو به گونه‌ای بوده که در تعبیری پکن عربستان را «برادر خود» و آل سعود نیز چین را بهترین دوست عربستان خطاب کرده است (حیدری، ۱۴۰۰: ۱۲۵-۱۲۳)؛ (Heidari, 2022: 123-125).

این تعاملات دوستانه با قدرت یافتن بن سلمان طی سال‌های اخیر دچار تحول شگرفی شده به نحوی که چین در مرکز ثقل توجه آل سعود قرار گرفته است. جدول مقایسه‌ای زیر به خوبی گویای این تحول و برجسته شدن چین در سیاست خارجی عربستان است. براساس این جدول چین از سال ۲۰۱۱ به بعد در ارزش تجارت دوجانبه با عربستان سعودی از ایالات متحده پیشی گرفت و این میزان هر سال با افزایش فاصله چشم‌گیرتری همراه بوده است. نقش ویژه چین به حدی بالا بوده که از سال ۲۰۱۸ به بعد تجارت عربستان با آن از تجارت این کشور با کل اتحادیه اروپا بیشتر بوده است.

تجارت خالص عربستان بر اساس سال	با چین	با آمریکا	با اتحادیه اروپا
2021	87.3	25.1	53.1
2020	67.2	20.6	43.8
2019	78.1	28.3	57.4
2018	63.5	38.2	62.7
2017	50.1	36.0	52.6
2016	42.9	36.0	49.1
2015	51.8	43.2	56.9
2014	69.1	67.1	73.0
2013	72.2	72.1	75.2
2012	73.3	75.3	74.3
2011	64.3	62.7	70.0

جدول ۴. نمودار میزان تجارت خالص عربستان (میلیارد دلار) با چین، آمریکا و اتحادیه اروپا

Table 4. Chart of Saudi Arabia's net trade (billion dollars) with China, the United States and the European Union

Source: (Fernandes, 2023)

#### ۴-۱- چرایی نگاه به چین در ایران

##### ۴-۱-۱- معناسازی آمریکا (غرب) به عنوان دشمن

به تناسب رویکرد تئوریک پژوهش یعنی شکل‌گیری رفتار متأثر از نقش باید گفت گرچه ایران هرگز تحت سلطه‌ی مستقیم استعمار قرار نداشته، اما هویت معاصر آن متأثر از تجربه‌ی شبه‌استعماری یعنی اشغال آن در دو جنگ جهانی، قرارداد نفتی ناعادلانه انگلیس و سقوط مصدق بوده است (Townsend, 2021: 7). در این مسیر با فراهم شدن زمان یعنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی رد برتری ایدئولوژیک غرب و حذف نفوذ امپریالیستی آن ذیل نقش استعمارستیزی به عناصر و دال‌های مرکزی سیاست خارجی ایران تبدیل شد (Nuruzzaman, 2016: 52). از این مقطع به بعد برجسته‌ترین آرمان سیاست خارجی ایران به عنوان نمود استثنائگرایی جمهوری اسلامی، مبارزه با نظام سلطه‌ی جهانی غرب محور به رهبری آمریکا بود، در حالی که ایالات متحده آمریکا نیز مبتنی بر تصور خود به عنوان یک کشور استثنایی، خود را دارای مأموریت و وظیفه منحصر به فردی برای تغییر جهان می‌دانست (Koenen, 2019: 11). لذا در پاسخ به پیام تقابلی ایران، رویکرد غرب به رهبری آمریکا در راستای معرفی ایران به عنوان کشوری مصداق تهدید شکل گرفت (افضلی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۵۸)؛ (Afzali and Mousavi, 2017: 158). به این ترتیب از مقطع پیروزی انقلاب اسلامی به بعد، ضدیت با آمریکا به عنوان ظالم شماره‌ی یک مردم جهان سوم از جمله ایرانیان، در

مدار مرکزی سیاست خارجی ایران قرار گرفت و در سمت مقابل نیز در چارچوب معناسازی، احساس ضدیت با ایران به یکی از ستون‌های سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد (Vakil, 2018: 2). طی این فرآیند روابط بین ایران و غرب به مرکزیت ایالات متحده آمریکا به برسازی دشمنانه تبدیل گشت. از این زوایه آمریکا به عنوان هژمون نظم بین‌الملل و دیگر کشورهای غربی در قامت اصلی‌ترین متحدان آن، جمهوری اسلامی را به عنوان دشمن و دیگری غرب ترسیم کردند.

به واقع با توجه به این که دولت‌ها در نظام بین‌الملل منطبق بر هویت نقشی خود و دیگری-اصل چهارم تعامل‌گرایی نمادین- عمل می‌کنند (صادقی، ۱۳۹۳: ۲۷)؛ (Sadeqi, 2014: 27) و این نقش در قالب‌های گفتگمانی منعکس می‌شود می‌توان گفت نمادهای ردوبدل شده بین ایران و غرب آنها را در قامت دشمن برای یکدیگر معناسازی نمود. این معنا با شکل‌گیری رفتار متناسب با نقش، آنها را در مقابل هم قرار داد، در نتیجه یکی از اصلی‌ترین راهبردهای جمهوری اسلامی برای مقابله با این دشمن و بقاء در این رابطه‌ی برسانانه‌ی خصمانه، منطقه‌گرایی با دیگر کشگرانی است که در ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و هویت نقشی با هم مشترک هستند. به عبارتی ایران با ترسیم غرب به عنوان دشمن و قطب اصلی نظام بین‌الملل نیازمند ایجاد بلوکی برای تقابل و تقسیم بار فشارها از سوی آن بود که در این مسیر بهترین گزینه‌های موجود قدرت‌های بزرگ شرقی مانند چین و روسیه بودند. به همین اعتبار برخی ماهیت اتحاد ایران با شرق جهانی را ضدهژمونیکی و استراتژیک در تقابل با غرب دشمن می‌دانند. می‌توان گفت معناسازی غرب به عنوان دشمن که نقش پیشروی در نظام بین‌الملل برای تقابل با ایران ذیل مکانیسم‌های متفاوتی مانند تحریم، امنیتی‌سازی و... دارد باعث شده تا جمهوری اسلامی در فرآیند معناسازی به سمت و سوی شرق جهانی با محوریت چین به عنوان یک دوست حرکت نماید. به عبارت بهتر تقابل با فشارهای چندجانبه از سوی آمریکا، ذیل کسب منافع بیشتر در تقابل با تحریم‌ها، کاهش تهدیدات امنیتی، گسترش ظرفیت‌های اقتصادی، تقویت همکاری‌ها در مقابل همکاری فزاینده‌ی رقیب، ایجاد منزلت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، اعمال اقدامات مشترک باعث شده تا نگاه به چین برای ایران بیش از آن که یک انتخاب رویکرد باشد، الزامی راهبردی تلقی شود (بایزیدی، ۱۴۰۱: ۱۴۸-۱۴۶)؛ (Baizidi, 2022: 146-148).

#### ۴-۱-۲- معناسازی چین به عنوان رقیب آمریکا (غرب)

در راه پیوند سیاست خارجی ایران با کانون‌های تولید قدرت و ثروت بین‌المللی یعنی ایالات متحده آمریکا و اروپا موانع بنیادینی در سطوح رئالیستی-مادی‌گرایانه و هویتی-سازه‌انگاران وجود دارد که رسیدن به همگرایی را دشوار و حتی ناممکن ساخته است. این امر زمینه‌ی اتخاذ گزینه‌های بدیل از سوی رهبران ایران را فراهم آورد. در این میان جمهوری اسلامی بیش از هر چیزی باید به دنبال انتخابی می‌بود که ضمن تامین منافع آن، در تقابل با غرب نیز قرار داشته باشد، تا بدین‌گونه میزان ضریب عدم اطمینان تا حد بالایی کاهش یابد. با توجه به این مفروض، به سه دلیل بهترین گزینه‌ی ممکن از میان کشورهای مختلف چین بود. اول آن که برخورداری چین از حق و تو در شورای امنیت جایگاه خاصی به این کشور در سیاست خارجی ایران می‌داد (رستمی و فلاحی، ۱۴۰۱: ۱۴۲)؛ (Rostami and Fallahi, 2022: 142). دوم این که چین معتقد به یک نظم بین‌المللی، به معنای

نظمی بدون رهبری آمریکا است (Basu, 2020: 160). در نهایت آن که منطبق بر تله توسیدید مدنظر گراهام آلیسون که به موجب آن یک قدرت در حال رشد در پی به چالش کشیدن و در نهایت جایگزینی با هدایت‌کننده نظم موجود است (Thompson, 2021: 88)، چین از سوی آمریکا به عنوان دشمن بزرگ تصورسازی شده است.

مبتنی بر این موارد، ضرب‌المثل فارسی «دشمن دشمن من دوست من است» را می‌توان پارادایم معناسازی چین به عنوان رقیب آمریکا در جهت توجیه گرایش ایران به پکن دانست. سخن گفتن مفسران جهان از مفهوم «جنگ سرد جدید» بین چین و آمریکا (Schindler and et al, 2023: 2) اصلی‌ترین مبنای منطقی این دوستی بر پایه‌ی دشمن مشترک در گرایش و نگاه ایران به سوی چین است. در همین راستا بین چین و ایران در برساختن آمریکا به عنوان رقیب و دشمن اشتراکات بسیاری وجود دارد که از مهمترین آنها می‌توان به تجدیدنظرطلبی اصلاحی آنها نسبت به نظم سیاسی بین‌الملل آمریکایی و زیان‌انگاشتن رهبری آمریکا در رهبری نهادها، هنجارها و رژیم‌های بین‌المللی اشاره کرد (شفیعی، ۱۴۰۱: ۱۹۴)؛ (Shafiee, 2022: 194).

نتیجه‌ی این اتحاد بر مبنای معناسازی پکن به عنوان دوست خود و دشمن دشمن خویش را می‌توان در توافق استراتژیک ۲۵ ساله بین ایران و چین در سال ۲۰۲۱ با هدف تقویت روابط اقتصادی، دفاعی و امنیتی دید. این قرارداد در دوره حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق ایران امضا شد و از سوی ابراهیم رئیسی مبتنی بر سیاست آسیامحور دولت او، با شدت بیشتری دنبال شد (Singh Maini, 2022).

منطق همراهی ایران با شرق براساس احساس رقابت آن با آمریکا را بهتر از هر کسی هال برندز دانشگاه جان هاپکینز چین عنوان می‌کند که: روسیه، چین و ایران می‌دانند که اگر هر کدام از او واشنگتن شکست بخورند، پس از آن تنها تر و آسیب‌پذیرتر خواهند شد. این دلیل کافی برای آنها در جهت اتحاد با هم است، چه آنها را یک اتحادیه بنامیم یا نه، که البته برندز با این اعتقاد که: انتظار نداشته باشید که روسیه، ایران و چین برای یکدیگر خودکشی کنند، اما فکر هم نکنید که آنها به یکدیگر اهمیت نخواهند داد، همراهی آنها را اتحاد راهبردی تلقی می‌کند. به این ترتیب همراهی ایران با شرق به محوریت چین و در کنار آن روسیه، اتحادی راهبردی در برابر تهدید ارزش‌ها، هنجارهای فکری، ژئوپلیتیکی، فرهنگی و اقتصادی این سه کشور از سوی آمریکاست (ذوالفقاری و احمدی نژاد، ۱۴۰۲: ۲۱)؛ (Zolfaghari and Ahmadinejad, 2024: 21). پذیرش عضویت ایران در سازمان شانگ‌های به عنوان بُردی استراتژیک، در جهت همان ایجاد سیستم امنیتی منطقه‌ای دوستان بدون حضور آمریکا است (صفری، احمدی و برزگر، ۱۳۹۹: ۱۱۹)؛ (Safary, 2020: 119).

#### ۴-۲- چرایی نگاه به چین در عربستان

#### ۴-۲-۱- معناسازی خودیاری خویش در برابر آمریکا

محوری بودن عربستان در جهان اسلام و عرب، داشتن ذخایر عظیم نفتی و موقعیت ژئواستراتژیک

آن از عوامل منجر به روابط طولانی مدت و اتحاد استراتژیک آمریکا با آن بوده است. اما با به قدرت رسیدن اوباما نوسانی بر روابط این دو کشور حاکم گردید. در این زمان، اختلاف نظر دو کشور در مسائلی مانند حقوق بشر، روند صلح فلسطین و اسرائیل، تلاش آمریکا برای توافق مجدد با ایران، نوع مبارزه با تروریسم و... به واگرایی نسبی آنها منجر شد. البته قبل از این دوره، تمثیل ترامپ از عربستان به گاو شیرده، مقدمات تردید ریاض در تداوم روابط استراتژیک با آمریکا را به وجود آورده بود (آقامحمدی و امید، ۱۳۹۷: ۱۳)؛ (Aghamohammadi and Omidi, 2019: 13).

به دنبال این اختلافات، مهم‌ترین اپیزود نگرانی آل سعود یعنی عدم اعتماد و اطمینان آنها به حامی بودن آمریکایی‌ها نمود آشکاری یافت. این ترس به قابل اتکاء نبودن ایالات متحده آمریکا و عدم توجه به منافع و اهداف سعودی‌ها با این که از تهاجم جورج بوش به عراق در سال ۲۰۰۳ شروع شد ولی پس از آن در موارد متعدد دیگری مانند عدم حمایت از شرکای عربستان در قیام‌های عربی ۲۰۱۱، توافق هسته‌ای با ایران در ۲۰۱۵، عدم حمایت در پاسخ حمله به آرامکو در ۲۰۱۹ خود را نشان داد. به موازات این اپیزود ترسناک، رویای اعمال نفوذ جهانی از سوی عربستان سعودی به عنوان یکی از محوری‌ترین کشورهای جهان عرب و اسلام، همواره از سوی آل سعود دنبال شده است. در همین ارتباط هدف برنامه‌ی افق ۲۰۳۰ عربستان تبدیل آن به قلب جهان عرب و اسلام و نیز قطب جهانی سرمایه‌گذاری است که آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌نماید. اما از جمله موانع رویای سعودی‌ها به لحاظ ذهنی برجسب سلطه و نفوذ آمریکا بر عربستان می‌باشد. از طرف دیگر فشارهای ایالات متحده در مواردی مانند حقوق بشر، انرژی، امنیت و روابط خارجی همیشه زمینه‌ی ناراضی‌تبی عربستان را به همراه داشته و همان‌طور که بیان شد با به قدرت رسیدن بایدن در آمریکا و قدرت‌یابی بن سلمان در عربستان، روابط دو کشور از این ناراضی‌تبی به سطح اختلافات آشکار کشیده شد. به واقع از این زمان به بعد اختلافات عربستان و آمریکا به عنوان متحدان استراتژیک برای نخستین بار دیگر پشت درهای بسته نماند و در نتیجه‌ی آن عربستان که به دنبال فرصت برای نشان دادن استقلال سیاستگذاری خود در برابر ایالات متحده بود در بُعد داخلی با اقداماتی مانند عدم اتخاذ خط‌مشی تحریم روسیه، مخالفت با افزایش عرضه‌ی نفت، عدم موافقت با میانجیگری با اسرائیل و... این تمایل به کاهش نفوذ آمریکا و وابستگی به آن را نشان داد. به همین منوال در سطح کلان نیز رهبران سعودی که برای دهه‌ها نسبت به آینده‌ی نظام سیاسی و حتی تمامیت ارضی خود متأثر از تهدیدهای دولت‌های متوالی آمریکا دچار شک و پارانو یا شده بودند، شدیداً نیاز داشتند به آمریکا نشان دهند که اگر شرایط آنها را ملزم به اتخاذ یک روش متفاوت کند واقعاً گزینه‌هایی برای انتخاب دارند (Azad, 2019: 2).

این گزینه یعنی شرق با محوریت چین که برای چندین دهه عربستان با احتیاط آن را در دستور کار قرار داشت در شرایط به وجود آمده به طور آشکاری در کانون توجه سیاست خارجی عربستان قرار گرفت. به این ترتیب با بروز اختلاف و ترس از بی‌اعتمادی نسبت به آمریکا به ویژه پس از به قتل رسیدن جمال خاشقچی و تلاش کنگره آمریکا در محکوم کردن بن سلمان به این اقدام، مهم‌ترین مبنای گرایش عربستان به چین را می‌توان در القای خودمختاری استراتژیک بیشتر برای

آل‌سعود تصور کرد (Zhiqiang, 2023). در همین ارتباط محمد ترکی السدیری محقق مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی ملک فیصل با اعتقاد به ضرورت تنوع بخشیدن روابط عربستان، نگاه به شرق عربستان را حامل پیامی به آمریکا با این عنوان که برای این کشور گزینه‌های دیگری نیز وجود دارد می‌داند (Hubbard and Hernández, 2019).

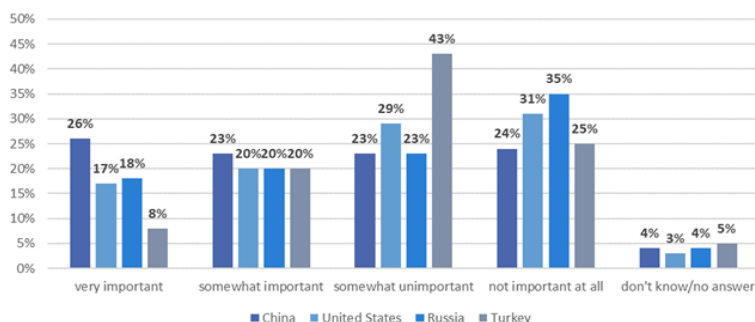
#### ۴-۲-۲- معناسازی چین به عنوان موازنه‌دهنده

همان‌طور که گفته شد از نظر آل‌سعود چین می‌تواند به هنگام تلاطم روابط عربستان با ایالات متحده آمریکا بخشی از حل مشکل باشد، به ویژه که چین از نظر ایدئولوژیک چندان بر حقوق بشر تمرکز نداشته و محدودیت‌های اندکی در مورد سیستم‌های تسلیحاتی که عربستان سعودی خریداری می‌کند، اعمال می‌دارد (Scobell and Nader, 2016: 28).

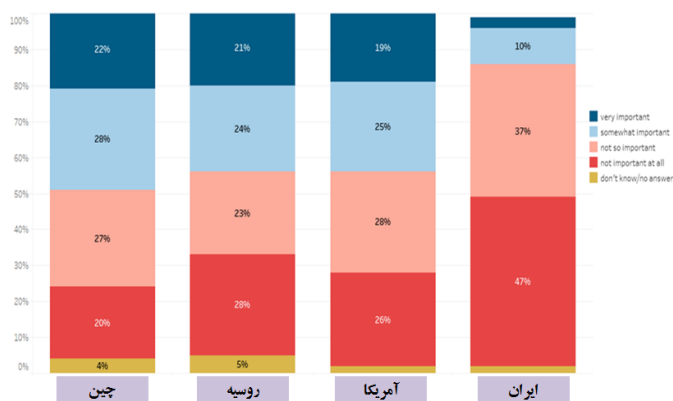
به این ترتیب تحول فرآیندهای روابط عربستان با چین گرچه بیش از هر چیزی حول محور انرژی و اقتصاد می‌چرخد اما در نهایت ریاض پکن را مهره‌ای اساسی در تنوع‌بخشی سیاست خارجی خود در قابل برنامه‌ی افق ۲۰۳۰ می‌داند. در این مسیر الحاق عربستان سعودی به سازمان همکاری شانگهای به عنوان شریک گفتگو نشانه‌ای از برقراری روابط نزدیک‌تر با چین و علاقه آل‌سعود به حضور در ترتیبات امنیتی - اقتصادی چندجانبه در مقابل ائتلاف‌های اغلب نظامی تحت رهبری ایالات متحده آمریکا است. در حقیقت اهداف اقتصادی، نگرانی‌های ژئوپلیتیکی، محیط سیاسی بی‌ثبات منطقه‌ای و مهمتر از همه افق‌نگری عربستان، آل‌سعود را وادار به داشتن آلترناتیوی مهم در سیاست خارجی کرد. به عبارتی دل‌مشغولی ریاض به کاهش تعهدات واشنگتن در قبال منطقه که در مواردی مانند عقب‌نشینی از عراق، تعدیل نیروها در افغانستان، کاهش واردات نفت از عربستان، استراتژی چرخش به سوی آسیا و... خود را نشان داد باعث تردید عربستان در ارتباط با اطمینان‌پذیری بلندمدت آمریکا به عنوان متحد قابل اعتماد این کشور شد و در نتیجه عربستان راه‌حل مناسب و نسبی برای غلبه بر این رابطه‌ی پرآشوب را اتحاد و پیوند با چین تصور کرد (حیدری، ۱۴۰۰: ۱۳۸)؛ (Heidari, 2022: 138).

این تحول و نیاز نگرش به شرق از سوی هیات حاکمه‌ی عربستان سعودی در میان افکار عمومی این کشور نیز به خوبی قابل مشاهده است. نظرسنجی‌های صورت گرفته از عربستانی‌ها طی سال‌های اخیر گواه خوبی بر گرایش به موازنه‌دهندگی چین در مقابل آمریکا در این کشور می‌باشد. بدین معنا براساس نتایج نظرسنجی‌هایی که از سال ۲۰۱۴ به سفارش موسسه واشنگتن آغاز شده، برای اولین بار در سال ۲۰۲۰ چین به وضوح از ایالات متحده در ترجیحات مردمی عربستان پیشی گرفت. براساس این نتایج حدود نیمی از سعودی‌ها (۴۹٪) روابط با چین را برای کشورشان مهم می‌دانند در حالی که ۳۷٪ از آنها همین نظر را درباره آمریکا دارند (شکل ۲). در ادامه‌ی همین روند در نوامبر ۲۰۲۱ با یک روند محسوس افزایشی دقیقاً نیمی (۵۰٪) از عربستانی‌ها روابط خوب با چین را برای کشورشان «مهم» می‌دانند، که این رقم برای آمریکا حدود ۴۴٪ بود (شکل ۳). در همین نظرسنجی در پاسخ به این که به دلیل عدم اعتماد به آمریکا، عربستان باید به چین یا روسیه به عنوان

شریک نگاه کند ۴۹٪ از جامعه‌ی آماری پاسخ مثبت دادند. نکته مهمی که این ارقام نشان می‌دهند الگوی نسبتاً ثابتی از افزایش تمایل عربستانی‌ها به پیوند و اتکاء با پکن است.



نمودار ۱. پاسخ مردم عربستان به اهمیت روابط با قدرت‌های خارجی (چین، آمریکا، روسیه و ترکیه)  
 Chart 3. Saudi people's response to the importance of relations with foreign powers (China, America, Russia and Türkiye)  
 Source: (Pollock, 2020)



نمودار ۲. اهمیت روابط خوب با کشورهای چین، روسیه، آمریکا و ایران از نظر مردم عربستان  
 Chart 4. Importance of good relations with China, Russia, America and Iran according to Saudi people  
 Source: (Pollock, 2021)

البته با وجود همه‌ی این تمایل و روابط فزاینده، در نهایت نکته اساسی آن است که چین در رویکرد نگاه به شرق عربستان تنها نقشی موازنه‌دهنده و نه جایگزین با آمریکا- علی‌رغم همه‌ی اختلافات بین ایالات متحده و آل سعود- دارد. چرا که هیچ کدام از کشورهای جهان شرق استراتژی سیاسی و امنیتی مشخص و یا حضور پایداری در خاورمیانه ندارند و چین نیز بیشتر در بُعد اقتصادی

مدنظر عربستان است، از اینرو سعودی‌ها نمی‌توانند برای تضمین مسائل امنیتی خود به این حوزه‌ی جهان متکی باشند. بنابراین از آنجا که چین عملاً فاقد معیارهای لازم برای روابط استراتژیک با عربستان است و از سوی دیگر در عمل عربستان نمی‌تواند به اندازه آمریکا روی این کشور حساب کند در نتیجه دل‌کنند عربستان و آمریکا از یکدیگر دور از ذهن و بعید به نظر می‌رسد (آقامحمدی و امیدی، ۱۳۹۷: ۲۷)؛ (Aghamohammadi and Omidi, 2019: 27). به این ترتیب باید گفت عربستان بدون دست‌کشیدن از آمریکا تنها منطبق بر درک واقعیت‌های هندسی جهان بدین نتیجه رسیده که برای رسیدن سریع‌تر و سهل‌تر به اهداف خود در افق ۲۰۳۰ نیازمند در دستور کار قرار دادن شرق در سیاست خارجی خود است. در کلام صحیح‌تر می‌توان گفت نگاه به شرق و ارتباط فزاینده با چین پر کردن ظرفیت‌های خالی سیاست خارجی عربستان در ضمن ادامه‌ی ارتباط با آمریکا و غرب است.

#### ۴-۳- توافق ایران و عربستان؛ پیامد نگاه به چین

عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ پس از اعدام شیخ نمر و به دنبال آن حمله به کنسولگری این کشور در ایران، روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع کرد. پس از حدود ۷ سال چین با استفاده از روابط دوستانه خود با دو طرف ارتباطات و گفتگو بین آنها را تسهیل کرد که در نهایت در ۱۰ مارس ۲۰۲۳، طی بیانیه‌ی مشترکی توافق برای بازگشایی سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های دیپلماتیک دو طرف را اعلام کرد. چین با تسهیل نزدیکی و دوستی بین این دو کشور و به دنبال آن متوقف کردن رویارویی آنها در لبنان، عراق، یمن، سوریه و بحرین تا حد بسیاری به ثبات در منطقه کمک کرد. به واقع چین که زمانی صرفاً یک مشتری محتاط انرژی خاورمیانه بود و تمایلی به مداخله در سیاست این حوزه را نداشت، در دو دهه گذشته به یک بازیگر کلیدی در چشم‌انداز ژئوپلیتیک در حال تغییر آن تبدیل شده است (Lons, 2024: 2).

در این میان تصویر شی جین‌پینگ، رهبر این کشور در مارس ۲۰۲۳ که ایجاد روابط دیپلماتیک میان دو رقیب سرسخت یعنی عربستان سعودی و ایران را رهبری کرد، به نمادی از نظم جهانی در حال تغییر و نقش روبه‌افول آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد. به عبارتی این آشتی ایران و عربستان توسط چین کاتالیزوری برای طلوع جدید تنش‌زدایی در میان کشورهای خاورمیانه و به نوعی مطرح کردن چین به عنوان جایگزینی برای نظم سیاسی و امنیتی تحت رهبری ایالات متحده بود. علاوه بر این، توافق عربستان و ایران را می‌توان در چارچوب ابتکار امنیت جهانی شی جین که به دنبال ارائه یک نظم امنیتی جهانی جایگزین بر اساس راه‌حل‌های چین برای چالش‌های امنیتی جهانی است تحلیل کرد. با توجه به این موضوع، میانجیگری چین در تخاصم ایران و عربستان را می‌توان تجلی جدیدی از رقابت بزرگ پکن با واشنگتن دانست، به طوری که، این میانجیگری چین را برخی تلاشی برای دستیابی به برابری با پیمان ابراهیم و توافقنامه کمپ دیوید که توسط ایالات متحده تسهیل شده بود تصور می‌کنند.

در همین ارتباط، استفن والت، این توافق را زنگ خطری برای آمریکا دانست، زیرا تلاش‌های چین برای نشان دادن خود به عنوان نیرویی برای صلح در جهان را برجسته کرد، ردایی که ایالات

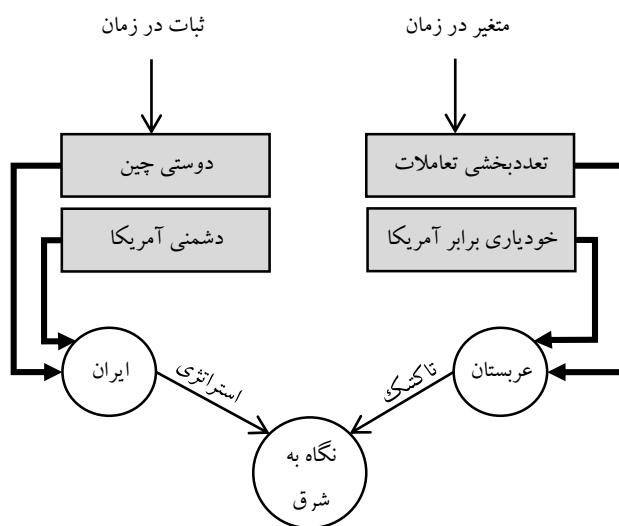
متحده در سال‌های اخیر عمدتاً آن را از تن درآورده است (Jash, 2023). در پیوند با این نظر والت باید پرسید آیا در پس نزدیکی و توافق ایران و عربستان به عنوان پیامد زودبازده نقش آفرینی چین ذیل گسترده شدن نگاه به شرق، جایگزینی نفوذ و حضور پکن بجای آمریکا در خاورمیانه نیز صورت خواهد گرفت؟ سوالی که پاسخ مثبت به آن حداقل اکنون و در آینده نزدیک کمی اغراق آمیز و دور از ذهن به نظر می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

به طور تاریخی گرایش به غرب با اتکاء بر ایالات متحده آمریکا اصلی‌ترین پارادایم سیاست خارجی خاورمیانه به ویژه از سوی بازیگران عرب این منطقه بوده است. اما تقریباً در یک دهه‌ی اخیر با تغییر چین از مشتری صرفاً محتاط انرژی خاورمیانه به بازیگری کلیدی در چشم‌انداز ژئوپلیتیک آن، این پارادایم تاریخی بطور ملموس دچار گسست شد. به این ترتیب در کنار رویکرد چهار دهه‌ای تعامل و گرایش به شرق از سوی جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی نیز در یک تغییر آشکار، گرایش به این قطب از نظام جهانی را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است. این که چه عواملی منجر به تغییر گرایش آل سعود شده و این تعامل آن با گرایش مشابه جمهوری اسلامی ایران چه تفاوتی دارد را اتکاء بر رویکرد تعامل‌گرایی و معناسازی بهتر از هر چیزی می‌تواند تبیین نماید.

از این منظر نتایج این مقاله نشان می‌دهد که چین به دلیل منافع ملموس قابل توجهی مانند تامین انرژی، سرمایه‌گذاری اقتصادی، تجارت و نیز منافع استراتژیک مانند توافقنامه‌های همکاری استراتژیک جامع با تهران و ریاض، ایران و عربستان را دو ستون سیاست خاورمیانه‌ای خود قرار داده است. در سمت مقابل این دو کشور با معناسازی پکن به عنوان مهمترین کنشگر نظم‌ساز و ضدهژمون، گرایش به آن را محمل تامین منافع و اهداف خود قرار داده‌اند. در این ارتباط تقابل و دشمنی غرب به رهبری آمریکا با جمهوری اسلامی ایران باعث معناسازی چین - با توجه به رقابت پکن با آمریکا -، به عنوان دوست در سیاست خارجی ایران شده است.

در سمت مقابل گرایش به چین در عربستان ضمن آن که نقش موازنه‌دهنده برای پر کردن شکاف‌های خالی سیاست خارجی عربستان دارد، باعث القای حس خودیاری بیشتر سعودی‌ها در مقابل آمریکا از منظر دوستان و دشمنانش شده است. با توجه به این موارد گرایش به چین از سوی ایران راهبردی استراتژیک و الزام‌آور و از سوی عربستان بیشتر تاکتیکی است. با وجود این تفاوت، نتیجه‌ی گرایش ایران و عربستان به چین، آشتی دو کشور به عنوان یک نقطه‌ی عطف منطقه‌ای پس از ۷ سال قطع ارتباط دیپلماتیک بود. این نتایج به دست آمده را می‌توان به صورت یک مدل و به عنوان برون داد مقاله به شکل زیر نشان داد:



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

Figure 2. Conceptual model of research

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۳)؛ (Authors, 2024)

## منابع فارسی

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، و فروتن، فاطمه (۱۳۹۸). تعاملات سعودی-چینی و پیامدهای آن برای امنیت ایران. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۱(۱)، ۶۷-۹۶.
۲. افضل‌ی، توحید، و موسوی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۵). تحلیل سازه‌انگاره مبانی هویتی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۹(۷۵)، ۱۵۱-۱۷۱.
۳. آقامحمدی، زهرا، و امیدی، علی (۱۳۹۷). آینده پژوهی نقش آفرینی عربستان در پرتو روابط با ایالات متحده آمریکا در خارمیانہ (۲۰۱۷-۲۰۲۵)؛ چالش‌ها و راهبردها. *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۹(۴)، ۱۲-۳۴.
۴. باقری، خسرو، و خسروی، زهره (۱۳۸۷). *نظریه‌های روانشناسی معاصر*. تهران: انتشارات علم.
۵. بایزیدی، رحیم (۱۴۰۱). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران؛ مولفه‌های راهبردی و تحولات آینده. *فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی*، ۱(۲)، ۱۳۷-۱۵۹.
۶. پرهام‌نیا، فرشاد (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم ارتباطات علمی در مکتب شیکاگو با تأکید بر کنش متقابل نمادین. *فصلنامه بازیابی دانش و نظام‌های معنایی*، ۸(۲۶)، ۱۵۷-۱۷۹.
۷. تخشید، محمدرضا، و لی، روی (۱۳۹۹). ضرورت ائتلاف راهبردی ایران و چین: متوازن‌سازی

- منافع مشترک و پرهیزهای مشترک. فصلنامه سیاست، ۵۰(۲)، ۴۸۴-۵۰۱
۸. حیدری، مهدیه (۱۴۰۰). دلایل توسعه روابط خارجی عربستان سعودی و چین. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۱)، ۱۱۷-۱۴۲.
۹. ذوالفقاری، مهدی، و احمدی نژاد، حمید (۱۴۰۲). نظم انتقالی در منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری. فصلنامه امنیت ملی، ۱۳(۵۰)، ۹-۴۰.
۱۰. رستمی، محسن، و فلاحتی، احسان (۱۴۰۱). راهبردهای دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران با نگاه به شرق مطالعه موردی: چین و روسیه. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۵(۵۴)، ۱۳۱-۱۷۱.
۱۱. رضادوست، کریم، و رستمی، ایوب (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی - انتقادی آراء و اندیشه‌های هربرت بلومر. مجله آفاق، ۲(۱۵)، ۱۳-۳۲.
۱۲. روزنامه همشهری (۱۴۰۱)، چین شریک نخست تجاری ایران، ۲۶ بهمن، در:  
[https://newspaper.hamshahrionline.ir/img/newspaper\\_pages/1401/11-Bahman/26/cover/03.pdf](https://newspaper.hamshahrionline.ir/img/newspaper_pages/1401/11-Bahman/26/cover/03.pdf)
۱۳. شفیعی، نوذر (۱۴۰۱). تحلیل توافقنامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین. فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۵(۱)، ۱۷۵-۲۰۰.
۱۴. شمشی، علی (۱۳۹۸). تحلیل ملاحظات گسترش مناسبات راهبردی ایران و چین. فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۲)، ۶۹-۸۴.
۱۵. شیخ الاسلامی، محمدحسن، و عطارزاده، سجاد (۱۴۰۱). آسیایی شدن: خوانشی جدید از نگاه به شرق. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۴)، ۳۷-۶۸.
۱۶. صادقی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱(۳۸)، ۲۵-۴۶.
۱۷. صفری، فرزانه، احمدی، حمید، و برزگر، کیهان (۱۳۹۹). ایران و محور چین - روسیه در آسیای مرکزی. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۶(۱۰۹)، ۱۰۴-۱۳۸.

### English References

1. Adler-Nissen, R. (2016). The Social Self in International Relations: Identity, Power and the Symbolic Interactionist Roots of Constructivism. *European Review of International Studies*, 3(3), 27-39.
2. Azad, Sh. (2019). Saudi Arabia Looks East: Imperatives and Implications. *The International Spectator*, 54(3), 1-14.
3. Basu, T. (2020). Sino-US Disorder: Power and Policy in Post-COVID Indo-Pacific. *Journal of Asian Economic Integration*, 2(2), 159-179.
4. Bavaj, R. (2011). The West: A Conceptual Exploration. *European History Online (EGO)*, 1-24, (doi: urn:nbn:de:0159-2011112107).
5. Bazoobandi, S. (2024). Iran's Strategies in Response to Changes in US-China Relations. *Middle East Policy*, 31(1), 120-132.

6. Belal, K. (2020). China-Iran Relations: Prospects and Complexities. *Policy Perspectives*, 17(2), 47-66.
7. Blumer, H. (1969). *Symbolic Interactionism: Perspective and Method*. Berkeley: University of California Press.
8. Blumer, H. (2004). *George Herbert Mead and Human Conduct*. Publisher: AltaMira Press.
9. Daniş, M. (2023). How do East and West see each other?. in *Daily Sabah*, Mars 3, at: <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/how-do-east-and-west-see-each-other>
10. Fernandes, F. (2023). How China Became Saudi Arabia's Largest Trading Partner. in *Visual capitalist*, February 19, at: <https://www.visualcapitalist.com/cp/how-china-became-saudi-arabias-largest-trading-partner/>
11. Gaub, F., & Boswinkel, L. (2020). *How Covid-19 changed the future*. Luxembourg: the EU Institute for Security Studies.
12. Hubbard, B., & Hernández, J. C. (2019). Amid Trouble With the West, Saudi Arabia Looks East. in *The New York Times*. February 24, at: <https://www.nytimes.com/2019/02/20/world/middleeast/saudi-arabia-pakistan-india-china.html>, (Retrieved 10 May 2024).
13. Ikenberry, G. J. (2024). Three Worlds: the West, East and South and the competition to shape global order. *International Affairs*, 100(1), 121-138.
14. Jash, A. (2023). Saudi-Iran Deal: A Test Case of China's Role as an International Mediator. in *Georgetown Journal of International Affairs*, June 23, at: <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/23/saudi-iran-deal-a-test-case-of-chinas-role-as-an-international-mediator/>, (Retrieved 10 May 2024).
15. Koenen, J. (2019). *America First: An Exceptionalist Break in the Tradition of Meliorism toward Iran*. BA Thesis, Pre-master Thesis North American Studies: Radboud University.
16. Lons, C. (2024). East meets middle: China's blossoming relationship with Saudi Arabia and the UAE. Policy Brief, in *European Council on Foreign Relations (ECFR)*, 1-12, May 20, at: <https://ecfr.eu/publication/east-meets-middle-chinas-blossoming-relationship-with-saudi-arabia-and-the-uae/>, (Retrieved 10 May 2024).
17. Lons, C. and et.al. (2019). China's great game in the Middle East. Policy Brief. in *European Council on Foreign Relations (ECFR)*, 1-33, October 21, at: [https://ecfr.eu/publication/china\\_great\\_game\\_middle\\_east/](https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/), (Retrieved 10 May 2024).
18. Mittzen, Je. (2006). Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma. *European Journal of International Relations*, (12)3; 370-341.

19. Nickerson, C. (2023). Symbolic Interactionism *Theory and Examples*. in *Simply Psychology*, October 16, at: <https://www.simplypsychology.org/symbolic-interaction-theory.html>, (Retrieved 10 May 2024).
20. Nuruzzaman, M. (2016). Post-Nuclear Deal Iran: Back to the Fold of Imperialism?. *Insight Turkey Spring*, 18(2): 51-61.
21. O'Hagan, J. (2002). *Conceptualizing The West in International Relations: From Spengler to Said*. Publisher: Palgrave.
22. Okunev, I. (2019). West/Non-West: Funhouse Mirror of World Politics. in *Russian International Affairs Council*, July 19, at: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/west-non-west-funhouse-mirror-of-world-politics/>
23. Pae, H. K. (2020). *Script Effects as the Hidden Drive of the Mind, Cognition, and Culture*. Vol. 21, Switzerland: Springer.
24. Pollock, D. (2020). Saudi Poll: China Leads U.S.; Majority Back Curbs on Extremism, Coronavirus. in *Fikra Forum*, July 31, at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/saudi-poll-china-leads-us-majority-back-curbs-extremism-coronavirus>, (Retrieved 10 May 2024).
25. Pollock, D. (2021). New Saudi Poll: United States, China, and Russia all Tie as Important Partners. in *Fikra Forum*, December 9, at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-saudi-poll-united-states-china-and-russia-all-tie-important-partners>, (Retrieved 10 May 2024).
26. Schindler, S. and et.al. (2023). The Second Cold War: US-China Competition for Centrality in Infrastructure, Digital, Production, and Finance Networks. *Geopolitics*, 1–38, doi: 10.1080/14650045.2023.2253432
27. Scobell, A., & Nader, A. (2016). *China in the Middle East: The Wary Dragon*. California: Rand Corporation.
28. Singh Maini, Tr. (2022). The Complexities of the Iran-China-Russia Triangle, The Geopolitics. in *The Geopolitics*, May 27, at: <https://thegeopolitics.com/the-complexities-of-the-iran-china-russia-triangle/>, (Retrieved 10 May 2024).
29. Thompson, G. (2021). Globalization, Geopolitics, and the U.S.–China Rivalry after Covid-19. *Journal of Applied History*, 3(1-2): 72-94.
30. Vakil, S. (2018). Iran on The Brink: Challenges And Opportunities For Washington. in *Hoover Institution*. 1-16, July 17, at: [https://www.hoover.org/sites/default/files/research/docs/vakil\\_iran\\_on\\_the\\_brink\\_updated\\_.pdf](https://www.hoover.org/sites/default/files/research/docs/vakil_iran_on_the_brink_updated_.pdf), (Retrieved 10 May 2024).
31. Viotti, P., & Kauppi, M. (2012). *International Relations Theory*. Fifth Edition, London:

Pearson.

32. Zhiqiang, Z. (2023). Riyadh's look east policy explained. in *China Daily Global*, August 28, at: <http://epaper.chinadaily.com.cn/a/202308/28/WS64ebc8aaa310a478839f7fce.html>,

### Translated References to English

1. Adler-Nissen, R. (2016). The Social Self in International Relations: Identity, Power and the Symbolic Interactionist Roots of Constructivism. *European Review of International Studies*, 3(3), 27-39.
2. Afzali, T., & Mousavi, S. M. A. (2017). Identity foundations of the US foreign policy toward the Islamic Republic of Iran's nuclear file: a constructivist analysis. *Political Science*, 19(75), 151-171. **(In Persian)**
3. Aghamohammadi, Z., & Omidi, A. (2019). Future Studies of the Saudi Arabia Role in the Light of Relations with the United States in the Middle East (2017-2025); Challenges and Strategies. *Political and International Approaches*, 9(4), 12-34. **(In Persian)**
4. Arghavani Pirsalami, F., & Forootan, Fa. (2019). China and Saudi Arabia: Relations expansion in New Millennium and Consequences for Iran Security. *Foreign Relations*, 11(1), 67-96. **(In Persian)**
5. Azad, Sh. (2019). Saudi Arabia Looks East: Imperatives and Implications. *The International Spectator*, 54(3), 1-14.
6. Bagheri, Kh., & Khosravi, Z. (2008). *Theories of contemporary psychology*. Tehran: Elm Publications. **(In Persian)**
7. Baizidi, R. (2022). Look to the East Strategy in Iran's Foreign Policy; Strategic components and future developments. *Strategic Futures Studies*, 1(2), 137-159. **(In Persian)**
8. Basu, T. (2020). Sino-US Disorder: Power and Policy in Post-COVID Indo-Pacific. *Journal of Asian Economic Integration*, 2(2), 159-179.
9. Bavaj, R. (2011). The West: A Conceptual Exploration. *European History Online (EGO)*, 1-24, doi: um:nbn:de:0159-2011112107
10. Bazoobandi, S. (2024). Iran's Strategies in Response to Changes in US-China Relations. *Middle East Policy*, 31(1), 120-132.
11. Belal, K. (2020). China-Iran Relations: Prospects and Complexities. *Policy Perspectives*, 17(2), 47-66.
12. Blumer, H. (1969). *Symbolic Interactionism: Perspective and Method*. Berkeley:

University of California Press.

13. Blumer, H. (2004). *George Herbert Mead and Human Conduct*. Publisher: AltaMira Press.
14. Daniş, M. (2023). How do East and West see each other?. in *Daily Sabah*, Mars 3, at: <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/how-do-east-and-west-see-each-other>
15. Fallahi, E., Rostami, M. (2022). Security Strategy for I.R Iran by Looking at the East Case Study: China and Russia. *Scientific Journal Security Horizons*, 15(54), 131-171. **(In Persian)**
16. Fernandes, F. (2023). How China Became Saudi Arabia's Largest Trading Partner. in *Visual capitalist*, February 19, at: <https://www.visualcapitalist.com/cp/how-china-became-saudi-arabias-largest-trading-partner/>, (Retrieved 10 May 2024).
17. Gaub, F., & Boswinkel, L. (2020). *How Covid-19 changed the future*. Luxembourg: the EU Institute for Security Studies.
18. Hamshahri Newspaper (2023), China, Iran's first trading partner, February 15, at: [https://newspaper.hamshahrionlin.ir/img/newspaper\\_pages/1401/11-Bahman/26/cover/03.pdf](https://newspaper.hamshahrionlin.ir/img/newspaper_pages/1401/11-Bahman/26/cover/03.pdf) (Retrieved 10 May 2024). **(In Persian)**
19. Heidari, M. (2022). The Reasons for the Expansion of Foreign Relations between Saudi Arabia and China. *Iranian Research letter of International Politics*, 11(1), 117-142. **(In Persian)**
20. Hubbard, B., Hernández, J. C. (2019). Amid Trouble With the West, Saudi Arabia Looks East. in *The New York Times*. February 24, at: <https://www.nytimes.com/2019/02/20/world/middleeast/saudi-arabia-pakistan-india-china.html>
21. Ikenberry, G. J. (2024). Three Worlds: the West, East and South and the competition to shape global order. *International Affairs*, 100(1), 121-138.
22. Jash, A. (2023). Saudi-Iran Deal: A Test Case of China's Role as an International Mediator. in *Georgetown Journal of International Affairs*, June 23, at: <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/23/saudi-iran-deal-a-test-case-of-chinas-role-as-an-international-mediator/>, (Retrieved 10 May 2024).
23. Koenen, J. (2019). *America First: An Exceptionalist Break in the Tradition of Meliorism toward Iran*. BA Thesis, Pre-master Thesis North American Studies: Radboud University.
24. Lons, C. (2024). East meets middle: China's blossoming relationship with Saudi Arabia and the UAE. Policy Brief, in *European Council on Foreign Relations (ECFR)*, 1-12, May 20, at: <https://ecfr.eu/publication/east-meets-middle-chinas-blossoming->

- relationship-with-saudi-arabia-and-the-uae/, (Retrieved 10 May 2024).
25. Lons, C. and et.al. (2019). China's great game in the Middle East. Policy Brief. in *European Council on Foreign Relations (ECFR)*, 1-33, October 21, at: [https://ecfr.eu/publication/china\\_great\\_game\\_middle\\_east/](https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/), (Retrieved 10 May 2024).
  26. Mittzen, J. (2006). Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma. *European Journal of International Relations*, (12)3; 370-341.
  27. Nickerson, C. (2023). Symbolic Interactionism *Theory and Examples*. in *Simply Psychology*, October 16, at: <https://www.simplypsychology.org/symbolic-interaction-theory.html>, (Retrieved 10 May 2024).
  28. Nuruzzaman, M. (2016). Post-Nuclear Deal Iran: Back to the Fold of Imperialism?. *Insight Turkey Spring*, 18(2): 51-61.
  29. O'Hagan, J. (2002). *Conceptualizing The West in International Relations: From Spengler to Said*. Publisher: Palgrave.
  30. Okunev, I. (2019). West/Non-West: Funhouse Mirror of World Politics. in *Russian International Affairs Council*, July 19, at: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/west-non-west-funhouse-mirror-of-world-politics/>, (Retrieved 10 May 2024).
  31. Pae, H. K. (2020). *Script Effects as the Hidden Drive of the Mind, Cognition, and Culture*. Vol. 21, Switzerland: Springer.
  32. Parhamnia, F. (2021). Exploring the Concept of Scientific Communication in the Chicago School with an Emphasis on The Role of Symbolic Interaction. *Knowledge Retrieval and Semantic Systems*, 8(26), 157-179. **(In Persian)**
  33. Pollock, D. (2020). Saudi Poll: China Leads U.S.; Majority Back Curbs on Extremism, Coronavirus. in *Fikra Forum*, July 31, at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/saudi-poll-china-leads-us-majority-back-curbs-extremism-coronavirus>, (Retrieved 10 May 2024).
  34. Pollock, D. (2021). New Saudi Poll: United States, China, and Russia all Tie as Important Partners. in *Fikra Forum*, December 9, at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-saudi-poll-united-states-china-and-russia-all-tie-important-partners>, (Retrieved 10 May 2024).
  35. Rezadoost, K., & Roostami, A. (2018). Analytical - critical review of the opinions and thoughts of Herbert Blumer. *Journal of Afagh*, 2(15): 13-32. **(In Persian)**
  36. Sadeqi, S. Sh. (2014). Islamic Revolution and the Identity of Islamic Republic of Iran's Foreign Policy. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 11(38): 25-

46. **(In Persian)**

37. Safary, F., Ahmadi, H., & Barzegar, K. (2020). Iran and Sino-Russian Axis in Central Asia. *Central Asia and the Caucasus Journal*, 26(109), 103-138. **(In Persian)**
38. Schindler, S. and et.al. (2023). The Second Cold War: US-China Competition for Centrality in Infrastructure, Digital, Production, and Finance Networks. *Geopolitics*, 1-38, doi: 10.1080/14650045.2023.2253432
39. Scobell, A., Nader, A. (2016). *China in the Middle East: The Wary Dragon*. California: Rand Corporation.
40. Shafiee, N. (2022). Analysis of the 25-Year Iran-China agreement in the Light of China's foreign policy Developments. *International Political Economy Studies*, 5(1), 175-200. **(In Persian)**
41. Shamshiri, A. (2019). Analysis of Considerations for the Expansion of Strategic Relations between Iran and China. *Holy Defense Studies*, 5(2), 69-84. **(In Persian)**
42. Sheikholeslami, M. H., Atarzadeh, S. (2023). Asianization: A New Interpretation of Look to East Policy. *Foreign Relations*, 14(4), 37-68. **(In Persian)**
43. Singh Maini, T. (2022). The Complexities of the Iran-China-Russia Triangle, The Geopolitics. in *The Geopolitics*, May 27, at: <https://thegeopolitics.com/the-complexities-of-the-iran-china-russia-triangle/>, (Retrieved 10 May 2024).
44. Takhshid, M. R., & Li, R. (2020). Common interests and common aversions between China and Iran. *Political Quarterly*, 50(2), 483-501. **(In Persian)**
45. Thompson, Graeme (2021). Globalization, Geopolitics, and the U.S.–China Rivalry after Covid-19. *Journal of Applied History*, 3(1-2): 72-94.
46. Vakil, S. (2018). Iran on The Brink: Challenges and Opportunities for Washington. in *Hoover Institution*. 1-16, July 17, at: [https://www.hoover.org/sites/default/files/research/docs/vakil\\_iran\\_on\\_the\\_brink\\_updated.pdf](https://www.hoover.org/sites/default/files/research/docs/vakil_iran_on_the_brink_updated.pdf), (Retrieved 10 May 2024).
47. Viotti, P., & Kauppi, M. (2012). *International Relations Theory*. Fifth Edition, London: Pearson.
48. Zhiqiang, Z. (2023). Riyadh's look east policy explained. in *China Daily Global*, August 28, at: <http://epaper.chinadaily.com.cn/a/202308/28/WS64ebc8aaa310a478839f7fce.html>
49. Zolfaghari, M., Ahmadinejad, Hamid (2024). Transitional Arrangement in the Supreme Leader. *National Security*, 13(50), 9-40. **(In Persian)**

